

# رساله لقاء الله

تالیف: میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

www.ketab.ir

نام کتاب: رساله لقاء الله  
 مولف: میرزا جواد آقا ملکی تبریزی  
 نشر سروین رخ  
 ۳۲۰ صفحه رقعی  
 چاپ اول: ۱۳۹۳  
 تیراژ: ۵۰۰ عدد  
 قیمت: ۱۷۵۰۰ تومان  
 شابک: ۵-۴۴-۷۴۸۲-۶۰۰-۹۷۸



|                     |                                           |
|---------------------|-------------------------------------------|
| سرشناسه             | : ملکی تبریزی، جوادین شمع، - ۱۳۲۳ ق.      |
| عنوان و نام پدیدآور | : رساله لقاء الله / جواد آقا ملکی تبریزی. |
| مشخصات نشر          | : تهران: سروین رخ، ۱۳۹۳.                  |
| مشخصات ظاهری        | : ۳۲۰ ص.                                  |
| شابک                | : ۵-۴۴-۷۴۸۲-۶۰۰-۹۷۸                       |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیا                                     |
| موضوع               | : عرفان                                   |
| موضوع               | : آداب طریقت                              |
| موضوع               | : انقیاد                                  |
| رده بندی کنگره      | : ۵۱۳۹۳/م۷۵/۵/۵/۲۸۴ BP                    |
| رده بندی دیویی      | : ۲۹۷/۸۳                                  |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۳۵۲۳۳۷۵                                 |

|    |                              |
|----|------------------------------|
| ۷  | مقدمه مؤلف                   |
| ۳۵ | تصمیم و آغاز بازگشت          |
| ۴۱ | حکایت توبه کردن جوان کفن در  |
| ۵۱ | توبه حضرت داود (علیه السلام) |
| ۵۳ | زمینه سازی برای توبه         |
| ۵۷ | توبه قاتل هفتاد پیامبرا      |
| ۶۱ | رحمت بیکران الهی             |
| ۶۵ | تهیه جدول مراقبه             |
| ۶۹ | سوز و گداز مؤلف              |
| ۷۷ | توبه های واقعی               |

۷۹..... علامت گریه‌های واقعی

۸۱..... مشارطه، مراقبه و محاسبه

۸۵..... عنایات الهی در خواب

۸۷..... خواب‌های بشارت‌آمیز مؤلف

۹۹..... آداب خورد و خواب

۱۰۱..... آثار و فضایل نماز شب و شب زنده داری

۱۷۷..... سوط السلوک

۱۷۹..... تازیانه سلوک

۲۸۹..... نامه عرفانی مؤلف به علامه کمپانی (رحمه الله)

به سوی لقاء الله عارف و محدث نامی

۲۹۵..... فیض کاشانی رحمه الله

۳۰۷..... لقاء الله و کیفیت آن از حضرت امام خمینی قدس سره

۳۱۷..... قصیده لقائیه از علامه استاد حسن زاده آملی زید عزه

## مقدمه مولف

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله والصلوة على رسول الله و على آله ائمه الله  
در قرآن مجید زیاده از بیست جا عبارت لقاء الله و نظر بر  
خداوند وارد شده، و هکذا در تعبیرات انبیاء و ائمه (علیهم  
السلام) و از این طرف هم در اخبار، در تنزیه حق - جل و  
علا - کلماتی وارد شده که ظاهراً تنزیه صرف است از  
همه مراتب معرفت.

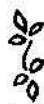
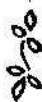
علمای شیعه - رضوان الله علیهم - را هم در این باب  
مذاق‌های مختلفه است؛ عمده آن دو مذاق است؛ تنزیه  
صرف حتی اینکه منتهای معرفت همان فهمیدن این است  
که باید خداوند را تنزیه صرف نمود و آیات و اخباری که در  
معرفت و لقاء الله وارد شده است، آنها را تأویل نمود.

مثلاً تمام آیات و اخبار لقاء الله را معنی می کنند بر مرگ و لقاء ثواب و عقاب.

و فرقه دیگر را مذاق این است که اخباری که در تنزیه صرف وارد شده است باید جمع میان آنها و اخبار تشبیه و اخباری که ظاهر در امکان معرفت و وصول است، به این طور نمود که: اخبار تنزیه صرف را حمل کرد به معرفت به طریق رؤیت به این چشم ظاهر و به معرفت کنه ذات اقدس الهی؛ و اخبار تشبیه و لقاء و وصول و معرفت را حمل کرد به معرفت اجمالی و معرفت اسماء و صفات الهی و تجلی مراتب ذات و اسماء و صفات حق تعالی، به آن میزان که برای ممکن، ممکن است.

و به عبارت دیگر، کشف حجب ظلمانیه و نورانیه که برای عبد شد؛ آن وقت معرفت بر ذات حق تعالی و اسماء و صفات او پیدا می کند که آن معرفت از جنس معرفت قبل از آن کشف نیست.

و به عبارت دیگر، انوار جمال و جلال الهی در قلب و عقل و سر خواص اولیای او تجلی می کند، به درجه ای که او را از خود فانی می نماید و به خود باقی می دارد؛ آن وقت محو جمال خود نموده و عقل او را مستغرق معرفت خود کرده، و به جای عقل او خود تدبیر امور او را می نماید. اگر چه



بعد از این همه مراتب کشف سبحات جلال و تجلی انوار جمال و فنای فی الله و بقای بالله، باز حاصل این معرفت، این خواهد شد که از روی حقیقت از وصول به کنه معرفت ذات، عجز خود را بالعیان و الکشف خواهد دید.

بلی این هم عجز از معرفت است و عجز سایر ناس هم عجز از معرفت است؛ لیکن این کجا و آن کجا؟ بلی جماد هم عاجز از معرفت است، انسان هم. ولی قطعاً تفاوت مراتب عجز حضرت اعلم خلق الله محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) با سایر ناس بلکه با علمای امت، زیادتر از عجز جماد یا انسان است.

اجمالاً مذاق طائفه‌ای از متکلمین علمای اعلام مذاق اول است؛ مستدلاً به ظواهر بعضی از اخبار و تأویلاً للآیات و الأخبار و الأدعیه الوارده فی ذلک.

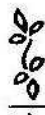
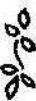
این حقیر بی بضاعت می خواهم بعضی از آیات و اخبار وارده در این معنی را با تأویلات حضرات ذکر نمایم تا معلوم شود حق از باطل.

از جمله آیات، آیات لقاء الله است.

جواب داده‌اند طائفه اولی از این آیات به آنکه: مراد،

مرگ و لقای ثواب الهی است.

این جواب را طائفه ثانیه رد کرده‌اند به اینکه: این مجاز

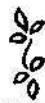
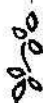


است. و مجاز بعیدی هم هست. و اگر بنابر حمل به معنای مجازی باشد، مجاز اقرب از او این است که به یک درجه از ملاقات را که در حق ممکن شرعاً جائز است حمل نمائیم، اگرچه عرف عام آن را لقای حقیقی نگویند و حال آنکه بنابر آنکه الفاظ برای ارواح معانی موضوع باشد و معنی روح ملاقات را تصور نمائیم، خواهیم دید که ملاقات اجسام هم حقیقت است و ملاقات ارواح هم حقیقت است و ملاقات معانی هم حقیقت است و ملاقات هر کدام به نحوی است که روح معنی ملاقات در او هست ولیکن در هر یک به نحوه لایق حال ملاقی و ملاقی است.

پس حالا که این طور شد، می توان گفت که معنی ملاقات ممکن با خداوند جلیل هم روح ملاقات در او حقیقتاً هست؛ ولیکن نحوه آن هم لایق این ملاقی و ملاقی است و آن عبارت از همان معنی است که در ادعیه و اخبار از او به تعبیرات مختلفه، به لفظ و صول و زیارت و نظر بر وجه و تجلی و دیدن قلب و تعلق روح تعبیر شده است و از ضد آن به فراق و حرمان تعبیر می شود.

و در تفسیر قد قامت الصلوة امیر (علیه السلام) روایت است: یعنی نزدیک شد وقت زیارت.

و در دعاها مکرراً وارد است: و لا تحرمنی النظر الی



و جهک. و مرا محروم مگردان از نظر به سوی وجه خودت!  
و در کلمات آن حضرت است: و لكن تراه القلوب بحقائق  
الایمان.

ولیکن او را می بینند دل های آدمیان به واسطه  
حقیقت های ایمان.

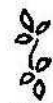
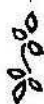
و در مناجات شعبانیه است: و ألحقنی بنور عزک الأبهج  
فأكون لك عارفاً و مرا ملحق کن به نور عزت که بهجت  
انگیزترین است تا اینکه عارف تو گردم!

و هم در آن مناجات است: و أنر أبصار قلوبنا بضیاء نظرها  
الیک حتی تخرق أبصار القلوب حجب النور فتصل الی  
معدن العظمه و تصیر أرواحنا معلقه بعز قدسک!

و دیدگان بصیرت دل های ما را به درخشش نظرتان به  
سویت نورانی نما تا آنکه چشمان دل هایمان حجاب های  
نور را پاره کند و به معدن عظمت واصل گردد و ارواح ما به  
مقام عز قدست بسته و پیوسته شود!

و در دعای کمیل (رحمه الله) عرض می کند: و هبني  
صبرت علی عذابک فکیف أصبر علی فراقک؟! و مرا چنان  
پندار که قدرت صبر و شکیبایی بر عذابت را داشته باشم،  
پس چگونه می توانم بر فراق شکیبا باشم؟!

مرد با فهم صافی از شبهات خارجیّه بعد از ملاحظه



این تعبیرات مختلفه قطع خواهد کرد بر اینکه مراد از لقای خداوند، لقای ثواب او که مثلاً بهشت رفتن و سیب خوردن و حورالعین دیدن نیست. چه مناسبت دارد این معنی با این تعبیرات؟!

مثلاً اگر لقای مطلق را کسی تواند به یک معنی دور از معانی لقاء حمل نماید، آخر، الفاظ دیگر را چه می کند؟ مثلاً نظر بر وجه را چه باید کرد؟! الحقنی بنور عزک الابهج فاکون لک عارفاً را چه بکنیم؟! انرأبصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک راهم می شود که بگوید: گلابی خوردن است؟!

و اگر کسی بگوید که: قبول دارم مراد از لقاء الله اینها نیست؛ لیکن مراد از لقای او، لقای اولیای او از انبیا و ائمه (علیهم السلام) است. برای ماها مثلاً کسی به صدر اعظم عرض بکند، تجوزاً می شود بگوید: به شاه عرض کردم. چنان چه در اخبار اطلاق وجه الله بر ائمه (علیهم السلام) و انبیا شده است؛ مثلاً پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وجه خداست نسبت به ائمه (علیهم السلام) و ائمه (علیهم السلام) وجه خدا هستند نسبت به ماها.

جواب می گوئیم:

اولاً اینکه این دعاها را انبیا و اولیا حتی نفس مقدس حضرت نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) می خواندند و خود

وجود مبارک آن حضرت که اسم اعظم و وجه خداست، پس او چه قصد می کرد؟!

مثلاً در خبر معراج که می فرماید: آن حضرت ذره ای از نور عظمت را دید از خود رفت، این را چه باید کرد؟!

وانگهی این معنی هم که بر بعضی از مقامات انبیا و ائمه (علیهم السلام) اطلاق می شود، بعد از این است که ایشان به درجه قرب رسیده باشند و فانی فی الله شده اند و به صفات الله متصف شده اند. آن وقت اطلاق وجه الله و جنب الله و اسم الله برای آنها جایز می شود. و قول به این معنی فی الحقیقه قبول مطلب خصم است نه رد.

حال این اجمال تا یک درجه این است که در اخبار معتبره وارد شده است که فرموده اند: نحن الأسماء الحسنی. و مراد از این اسماء قطعاً اسم لفظی که نیست؛ اسم عینی خواهد بود. چنانکه از اخبار معلوم می شود خداوند اسماء عینیّه غیر لفظیه دارد که با آنها در عالم کارها می کند و خداوند جل جلاله با آن اسمها در عوالم تجلی می کند و تأثیرات در عالم واقع می شود، بلکه وجود همه عالم از تجلیات اسماء الهیه است؛ چنانکه در ادعیه ائمه معصومین (علیهم السلام) خیلی وارد است:

و باسمک الذی تجلیت به علی فلان و علی فلان!

